



عالم عامل
سخنی کوتاه در باب
ضایعه ای بزرگ

خبر رحلت فقیه عالیقدر و مجاهد خستگی ناپذیر، آیت الله العظمی منتظری رضوان الله تعالی علیه غمبارتر از آن بود که بتوان تصور کرد، بویژه در این مقطع مهم که حضور ایشان التیام دهنده دل های آزرده و امید دهنده به مردم بود. جز این، تاسف بیشتر به دلیل محنودیت های بسیاری بود که بر این عالم فرهیخته تحمیل شد و جامعه را از شناخت کامل یک عالم دینی برجسته و بی نظیر، محروم می ساخت. بنا بر این آنچه از این بزرگوار دانسته شده، در برابر آنچه ناشناخته مانده، اندک است؛ من در این مختصر، فقط بر قسمتی از خصوصیات علمی، شخصی و اجتماعی ایشان که در طول سالیان شاگردی و ارادت خود دریافته ام و در ذهنم برجسته تر مانده است، گذری می کنم.

بعد علمی

گاهی از خود می پرسیم کدام خصوصیات برجسته علمی را می توان برشمرد که خداوند در وجود ایشان قرار نداده بود؟ وی فقهی کم نظیر در عالم تشیع بود که در تاریخ علمی شیعه، همانند او کم سراغ داریم، در این عصر نیز بی تردید سرآمد فقیهان برجسته به شمار می رفت. برشمردن برخی از ویژگی ها برای توجه به ابعاد آن ها است:

۱. حافظه قوی و ذهن نقاد، از خصوصیات خدادادی این عالم مجاهد بود که گاهی باعث اعجاب دیگران می شد. این توانمندی همراه با پشتکار و مطالعه بی وقفه، بهره گیری از زمان را نزد ایشان دوچندان می کرد. کمتر موضوعی در محضر وی طرح می شد که درباره آن، سخنی مستند برای گفتن نداشته باشد.

۲. تتبع وسیع و پشتکار گسترده از خصوصیات علمی ایشان به شمار می رفت. ایشان هر مطلب یا مساله علمی و اجتماعی را با همه ابعاد و خصوصیات آن، مورد مذاقه قرار می داد تا در اجتهاد یا اظهار نظر، دچار لغزش نشود. این خصوصیتی است که ایشان برای اجتهاد کارآمد ضروری می دانست. در مسائل فقهی، ریشه یابی تاریخی و بررسی همه روایات مستقیم و غیرمستقیم و نقد و بررسی عمیق نظرات عالمان اهل سنت و تشیع از سابق تا لاحق در آن موضوع، چیزی را نادیده باقی نمی گذاشت و همواره به استوار گویی، بیش از زیاده گویی و بیش نویسی اهتمام داشت. ایشان از جمله عالماتی بود که بدون دقت و بررسی کامل، سخنی نمی گفت.

۳. آیت الله العظمی منتظری دارای مبانی روشن و استواری بود و در استنباط، چارچوبی قاعده مند را دنبال می کرد که بسیاری از مدعیان فقاhte فاقد آنند. ایشان با تکیه بر همین

نسبت و مناسبت در قلمرو اخلاق و حقوق

سیدمحمد رضا خلمی



در چند شماره اخیر آیین کوشیده ایم با توجه به عنصر مفعول اخلاقی در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی و روابط حاکم بر حاکمیت - شهروندان و کنشگران عرصه های فوق بلی جدید در این مناسبات بگشاییم.

در این شماره، رابطه اخلاق و حقوق، محور اساسی قرار گرفته است. اگر اخلاق را چه در بعد نظری و چه در بعد عملی، فرایندی برای تلطیف فضای زندگی انسان ها بدانیم که به روح آنان آرامش می بخشد و رابطه ایشان با محیط بیرون را امن می سازد آن گاه بسته به آن که حقوق را چگونه معنا کنیم، می توان گفت اخلاق با حقوق رابطه ای مستقیم یا معکوس دارد.

اگر حقوق را تنها با فلسفه پیدایش آن، یعنی "دفاع از وضع موجود" مورد مذاقه قرار دهیم، لزوماً با اخلاق همزیستی و قرابتی نخواهد داشت بلکه در اکثر موارد حقوق و اخلاق در تضاد یا یکدیگر قرار خواهند گرفت.

اما اگر حقوق را به معنای تعریف حق انسان ها و نهادهای بشر ساخته در نظر بگیریم و بخصوص سیر تکاملی این علم را در تبیین دقیق این "حق" ها دنبال کنیم، آن گاه در خواهیم یافت که اخلاق و حقوق یا یکدیگر همسرشتند و احتمالاً بدون نگاه اخلاقی به انسان و جوامع بشری، علم حقوق در جایگاه واقعی خود نخواهد نشست.

انتشار این شماره آیین همزمان شده است با ماه محرم که یادآور بزرگترین تلاش یک انسان کامل و اسوه اخلاق برای احقاق "حق" انسان هاست. اگر ظلم را بزرگترین بد اخلاقی بدانیم که به حق چنین است، آن گاه قیام برای رفع ظلم و استقرار "داد"، اخلاقی ترین عمل ممکن خواهد بود و عاشورا بزرگترین تجلی این مبارزه همیشه تاریخ است. در یک سو کسانی که با تمسک به ظواهر و با سوء استفاده از جهل و نادانی مردم زمان خود و بخصوص ناآگاهی آنان به حقی که خدا برایشان مقرر داشته، یعنی زندگی در فضای عدل و اختیار و انتخاب، کوشیده اند یا وارونه جلوه دادن حقیقت دین و سنت نبوی، حقوق مردم را ضایع کنند؛ در سوی دیگر، کسی است که بی هیچ هراسی از آن که او را خارجی بنامند و بدون اندیشه نام و نان و آبرو، با همه موجودیت خود در برابر بزرگترین ظلم تاریخ می ایستد و برای همیشه به انسان ها می آموزد که اگر دین ندارید، آزاده باشید.

انتشار این شماره نشریه همچنین مصادف است با رحلت فقیه فرزانه اصولی بی نظیر و فیلسوف گرانباه، حضرت آیت الله العظمی منتظری که بی تردید در دوران مبارزه اسلامی علیه نظام ستم جایگاه ویژه ای داشت.

هیچ کس تردید ندارد که او در فکر نام و مقام نبود و آنچه را اخلاقاً و شرعاً وظیفه خود می دانسته بیان می کرد و مصلحت واقعی کلام مولایش، امیرالمومنین بود که می فرماید: "... و ما اخذ الله علی العلماء الا یقروا علی کظه ظالم و لا یسب مظلوم...". دست تقدیر چنین خواسته است که این شماره آیین که به بحث اخلاق و حقوق اختصاص دارد از یک سو با محرم و عاشورا مصادف باشد که زیباترین تجلی اخلاق است و از سوی دیگر با یاد و خاطره مردی که نشان داد می توان اخلاقی ترین انسان زمان بود در احقاق حق مردم.

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً؛ از میان مومنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند، صافخانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنان در همین انتظارند و هرگز عقیده خود را تبدیل نکردند. (احزاب/ ۲۳)

مبانی و با رعایت کامل همین جارجوبها به استنباط می پرداخت. چنین بود که گرچه مخالفانی داشت، ولی کسی توانمندی و استواری ایشان در استنباط را مورد تردید قرار نداد. باید به یاد داشت که در مدت سی سال پس از انقلاب اسلامی، مسائل مستحدثه بسیاری پیش آمد که ایشان به استنباط شرعی آن پرداخته بسیاری از این استنباطها همچنان مورد استفاده هستند.

۴. نقد و واکاوی نظرات در کنار حفظ احترام آن‌ها از ویژگی‌های علمی ایشان بود. ایشان تلاش بسیار داشت که شاگردان خود را به ارزش این مسأله مانوس سازد که هیچ گاه نظری را بدون واری دقیق علمی نپذیرند و هر اندیشه‌ای را از هر کس هر چه کم‌نشان باشد، فرو نهند و در عین حال از هر کس چیزی آموختند، به او احترام بگذارند، امری که خود هیچ گاه از آن غفلت نکرد. ایشان نقادی دقیق نظرات و آراء را راهی برای استواری نظرات و مدخلی برای نوگرایی و دوری از بدعت می دانست. اصرار فراوان ایشان بر نقد و بررسی آراء و نظرات خود، چه قبل از ابراز در عرصه عمومی و چه بعد از آن، عامل مهمی در استواری نظرات ایشان بود.

۵. شاگردپروری و بها دادن به نظرات و تلاش‌های آنان از خصوصیات ویژه ایشان بود؛ چنین بود که خیل عظیمی از فضلاء و طلاب برجسته و خوش استعداد را گرد خود داشت، کسانی که با ولع تمام برای بهره‌گیری از دریای علمی و اخلاقی استاد خود می کوشند. البته فروتنی و تواضع علمی ایشان هم‌راه با سلاست بیان، شاگردانشان را به نقد و واری نظرات تحریض می نمود. چنین بود که امروز کمتر عالم برجسته و خوش نظری در حوزه هست که مدتی از محضر این عالم بزرگوار بهره‌ای نبرده باشد.

بعد اجتماعی

۱. او مصداق بارز عالم به زمانه بود. از ابتدای طلبگی خود اهتمام بسیاری به پیگیری مسائل و موضوعات جامعه داشت. می کوشید از مشکلات جامعه غفلت نرزد و از درد و رنج و کاستی‌های آن آگاه شود، امری که بخشی از فقها آن را نادیده گرفته‌اند. ایشان مسائل جامعه را نه از اطرافیان، که با استفاده از همه ابزار و وسائل خیری پیگیری می کرد. او حتی فقه را وسیله‌ای برای راهگشایی مشکلات جامعه می دانست و این رویه را تا آخرین لحظات عمر خود ادامه داد. تا هر روز همه اخبار و حوادث کشور و جهان اسلام را مورد بررسی قرار نمی داد، به بستر نمی رفت.

۲. ظلم‌ستیزی و توجه به مسایل جامعه و مردم از خصوصیات بارزی بود که آن را در سراسر عمر خویش حفظ کرد و هیچ گاه از آن غفلت نرزد، گویا مبارزه برای رفع ستم از مردم جزئی از ذات ایشان بود. او همه عمر خویش را در راه مجاهدت و مبارزه با ظلم سپری کرد و این مجاهدت را پیش از پنجاه سال ادامه داد، تا آخرین لحظه عمر خویش، آن را فرو نگذاشت و در این راه جز تحمل سختی‌های معمول، از رنج نصیحت‌های مصلحت‌گرایانه و ملامت‌های به ظاهر دوستانه نیز محروم نماند.

۳. دفاع از حقوق انسان‌ها، صرف‌نظر از این که دارای چه مسلک و مرامی باشند، از خصوصیات ویژه و شاید کم‌نظیر ایشان بود. همین خصوصیت بود که هر رنج کشیده و ستم‌دیده‌ای را برای تظلم‌خواهی به محضر آن بزرگوار می کشانید، چرا که می دانست حداقل با همدردی روبرو خواهد شد. به عبارت دیگر، همین خصوصیت، این عالم عامل را به پناه معنوی رنج‌دیدگان تبدیل کرده بود.

۴. وظیفه‌شناسی بدون توجیهات مصلحت‌گرایانه از ویژگی‌های برجسته ایشان بود. ایشان درباره آنچه به تشخیص می رسید، بدون هیچ ملاحظه شخصی موضع می گرفت. در این راه، چه از سوی دوستان و چه از سوی

دیگران، با توجیهات و استدلال‌های مصلحت‌گرایانه روبرو می شد، ولی هرگز تمکین نمی کرد. ایستادگی کم‌نظیر و بدون واهمه در راه انجام وظیفه، از ایشان عالمی عامل و خداپاور ساخته بود که تاریخ ایران و تشیع، هیچ گاه او را فراموش نخواهد کرد.

۵. تیزبینی و تیزهوشی اجتماعی، از دیگر ویژگی‌های بارز ایشان بود. چه بسیار آینده‌نگری‌ها و موضع‌گیری‌هایی که در هنگام ابراز، مورد انتقاد قرار می گرفتند، ولی پس از مدتی، حقایق و صحت‌شان معلوم می شد. تلاش بسیار ایشان برای حفاظت از انقلاب و جلوگیری از بروز مسائلی که موجودیت و اعتبار نظام را خدشه‌دار کند، گرچه با کم‌مهری‌هایی روبرو بود، ولی امروز بهتر می توان درباره آن قضاوت کرد.

بعد شخصی

۱. اشاره به سعه صدر، بزرگواری و گذشت ایشان، فقط از باب نمونه است، زیرا ایشان دارای شخصیتی جامع و مصداق یک عالم عامل و فرهیخته بود. سعه صدر، بزرگواری و گذشت ایشان، بویژه به آنچه نسبت به خود ایشان رفته بود، بسیار برجسته بود. کمتر سختی از سر کینه‌ورزی و دشمنی از ایشان شنیده شده است. همواره در نقل خوبی دیگران، بیش از ضعف‌ها اهتمام داشتند، چه بسیار خطاکارانی که وقتی با روی باز ایشان روبرو می شدند، حتی گلایه‌ای از ایشان، نشنیده باشند. این رفتار نه تنها علاقه که شیفتگی دیگران را برمی‌انگیخت. این تفاوت عمده یک انسان بزرگ با افراد عادی است.

۲. صبوری، استقامت و شجاعت، از ویژگی‌های کم‌نظیر ایشان بود که باعث اعجاب اطرافیان‌شان می شد. کمتر کسی نشانی از ضعف و خستگی در راه مبارزه از ایشان دیده است. ایشان را باید کوهی از صبوری و استواری دانست که هیچ چیز آن را متزلزل نساخت.

۳. مهربانی و نشاط با وجود همه سختی‌ها و ناملایمات، از ویژگی‌های ایشان بود. کمتر دیده می شد که غم سنگینی را که در دل داشت، به اطرافیان خود منتقل کند. شوخ‌طبعی و نشاط، لطف حضور در محضر این بزرگوار را افزون می کرد.

۴. تواضع و فروتنی در رفتار و کردار ایشان بسیار برجسته بود. کسانی که در محضرش حاضر می شدند، با چهره‌ای چنان متواضع روبرو می شدند که گویا سالیان دراز با او آشنا بودند. رفتاری بدون تکلف و تشریفات، صمیمی و عاری از خودگرفتنی و شئون ساختگی، آن هم از عالمی برجسته و فرهیخته، از جذب‌های ویژه ایشان بود. گاه دیده می شد که با برخی از رفتارها به عمد مخالفت می کرد تا فاصله‌ای میان خود و مردم عادی ایجاد نکند و محضرش برای همه عاری از تکلف باشد. از این رو سخن گفتن با ایشان و اظهارنظر کردن در حضورشان، برای همه راحت و آسان بود. اگرچه این خصوصیات گاهی مورد سوءاستفاده برخی قرار می گرفت، ولی از ارزش عمل ایشان نمی کاست.

۵. توکل و خلوص در کارها از این شخصیت علمی، انسانی متعبد و ویژه ساخته بود، انسانی عاری از هوا و هوس و بی‌اعتنا به مقام‌ها و جایگاه‌های سیاسی و حتی مذهبی و فراری از تعینات دنیوی و ریاکاری‌های نفاق‌گرایانه و تعلقات محدودکننده. شاید به دلیل همین اعتقاد راسخ بود که نه از اقبال مردم غره شد و نه از ادبار آنان، دل‌نگران. برای ایشان، عمل به وظیفه‌ای مهم بود که آن را با دقت تمام یافته بود؛ تنها همان بود که برایش آرامش خیال ایجاد می کرد. خلوص و اهتمام به جلب رضایت پروردگار و فروگذاری هر چه جز آن، شجاعت و دلیری خاصی به ایشان بخشیده بود که در سراسر عمر خویش از آن برخوردار بود.

عاش سعیدا و مات سعیدا.